

شهرسازی نوین و مدیریت فضاهای بی دفاع شهری برای کنترل رفتارهای مجرمانه؛ نمونه مطالعاتی: شهر تهران

عباس بخشنده نصرت- هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران.
جمال الدین دریاباری - هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران.
پدرام اخوان گوران* - دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

New urbanism and management of urban defenseless spaces to control criminal behavior

Abstract

Big cities have a lot of crime at its heart. State crime statistics indicate that Tehran metropolis due to the special circumstances of the geographical space and the highest crime statistics between the cities of the country. The incidence of these crimes, issues and has created many challenges for citizens and city managers. The most important theoretical approaches to the interpretation of the formation of centers of crime is crime prevention through environmental design. This article is extracted from a doctoral thesis titled as New Urbanism and management of urban defenseless spaces to control criminal behavior; case study Tehran. This study seeks to discover which factors and environmental conditions help to facilitate crimes such as theft in the city? The research method is descriptive. After theoretical studies, through sub-GIS software, and then observation centers have been identified robbery, factors and conditions facilitating the study was to explore the relationship between the two. The results indicate that the major centers of mass in the regions ۶ and ۷. Observing weak territoriality, little oversight residents by design poor, the poor people in places due to lack of planning, lack of standards urbanism, walls and windows dirty and run-down of the major factors and conditions that are rule in hot spots of Tehran.

Keywords: crime, Tehran, urban planning, crime prevention, environmental design

چکیده

شهرهای بزرگ انبوهی از جرایم را در دل خود جای داده‌اند. آمار جرم کشور حاکی از آن است که کلانشهر تهران به دلیل شرایط خاص فضایی و جغرافیایی دارای بالاترین آمار جرم و جنایت بین شهرهای کشور می‌باشد. بروز این جرایم، مسائل و چالش‌های فراوانی برای شهروندان و مدیران شهری ایجاد نموده است. از رویکردهای نظری مهم تفسیر کننده شکل‌گیری کانون‌های جرم، پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است. پژوهش حاضر دنبال آن است که دریابد کدام عوامل و شرایط محیطی به تسهیل وقوع جرایمی همچون سرقت در این شهر کمک می‌کند؟ روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است. پس از مطالعات نظری، از طریق نرم افزارهای زیرمجموعه سیستم اطلاعات جغرافیایی، کانون‌های جرم سرقت شناسایی شده و سپس با مشاهده میدانی، عوامل و شرایط تسهیل کننده، بررسی شد تا رابطه بین آندو کشف گردد. نتیجه نشانگر آن است که عمده کانون‌های جرم در مناطق ۶ و ۷ قرار دارد. رعایت ضعیف قلمروگرایی، نظارت اندک ساکنین بواسطه نوع طراحی نامناسب، حضور پایین افراد در فضاها بدلیل فقدان برنامه‌ریزی، رعایت ناچیز استانداردهای شهرسازی وجود دیوارها و پنجره‌های کثیف و مخروبه از عمده عوامل و شرایطی است که در کانون‌های جرم خیز شهر تهران حاکمیت داشت.

واژگان کلیدی: جرایم، تهران، شهرسازی، پیشگیری از جرم، طراحی محیطی

مقدمه

امروزه جرم و جنایت و ناهنجاری‌های اجتماعی به یکی از مشکلات حاد در اکثر شهرهای بزرگ جهان تبدیل شده است. جرم و بزهکاری صرف نظر از مکان وقوع آنها علاوه بر به مخاطره انداختن امنیت عمومی جوامع انسانی و جریحه‌دار کردن افکار عمومی شهروندان، به خصوص کسانی که از آن آسیب دیده‌اند، در برخی موارد به سرمایه‌های ملی و حیثیت بین‌المللی کشورها آسیب‌های جبران ناپذیری وارد می‌نماید (عباسی، ۱۳۸۷، ص ۲). از زاویه فضایی- مکانی، تمامی جرایم و ناهنجاری‌ها دارای بستر زمانی و مکانی منحصر به فردی است. تحلیل فضایی- زمانی بزهکاری مبین این نکته مهم و اساسی است که در برخی از بخش‌های شهر به سبب وجود ساخت کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی حاکم بر آن میزان بزهکاری بالاست و به عکس، برخی فضاهای شهری مانع و عامل بازدارنده فرصت‌های مجرمانه هستند (61-Greenberg, S. and W.Rohe; 1984; pp. 48).

به عبارتی، برخی مکان‌ها به دلیل ساختار کالبدی خاص و همچنین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی ساکنان آن امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. در نقطه مقابل آن، برخی مکان‌ها مانع و بازدارنده فعالیت‌های مجرمانه هستند. همین امر موجب می‌شود تا بزهکار، خود به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتکاب عمل مجرمانه باشند (کلاتری و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۷۶).

شهر تهران تحولات سریعی در دهه‌های اخیر، از بعد اجتماعی و نیز کالبدی شاهد بوده است. اگرچه این شهر از نظر کمی رشد سریعی به خود دیده است اما آلودگی محیطی ناهنجاری‌های کالبدی آن، می‌تواند زمینه‌های بروز ناهنجاری در رفتار افراد باشند. در تبیین نقش و ارتباط شرایط محیطی در وقوع جرایم از جمله از نوع مورد نظر پژوهش حاضر (سرقت، شرارت و باجگیری) یکی از نظریه‌ها، پیشگیری از جرم با طراحی محیطی است. به تاسی از این نظریه، محتمل است که از دلایل محیطی بروز جرایم شهری، کاستی در برنامه‌ریزی راهبردی- عملیاتی و حتی تحقق استانداردهای پایه و سرانه‌های شهری می‌باشد. لذا بررسی جرایم از جمله سرقت در

کلانشهر تهران در مقایسه با میزان رعایت اصول شهرسازی با رهیافت پایدار برای یافتن پاسخ به این پرسش‌هاست که توزیع فضایی مهم‌ترین کانون‌های ارتکاب جرم بویژه سرقت در شهر تهران چگونه است؟ مهم‌ترین ویژگی‌های مکانی و محیطی تسهیل‌کننده جرم و بزه در شهر تهران کدام است و رعایت اصول شهرسازی چه نقشی در کاهش وقوع این جرایم دارد؟ فرضیه پژوهش عبارت است از: «ضعف در رعایت اصول شهرسازی (کاربری زمین، طراحی شهری و معماری) موجب شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع شهری و لذا تسهیل وقوع جرم و خشونت و شکل‌گیری کانون‌های جرم در شهر تهران شده است.»

روش تحقیق و شیوه گردآوری داده‌ها

در تحلیل و بررسی توزیع فضایی نوع و میزان جرایم، نحوه پراکنش و فعالیت مرتکبین این جرایم در سطح شهر و مطالعه مکانی، جغرافیایی و اجتماعی و اقتصادی مؤثر در الگوهای توزیع بزهکاری دو روش توصیفی و تحلیلی بکار گرفته شد. از آنجا که در تهیه نقشه‌های بزهکاری مطالعه محدوده جغرافیایی شهر بعنوان یک ناحیه یا منطقه جغرافیایی با مرزهای مشخص اداری و سیاسی از محدوده‌های جغرافیایی پیرامون متمایز شده است، ترکیبی از دو روش تحلیل فضایی و بوم‌شناختی قابل استفاده است. برای گردآوری اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش کتابخانه‌ای و روش بررسی میدانی استفاده گردید. کتب، مقالات، اسناد ملی و محلی مرتبط با موضوع و برخی مطالب مرتبط از شبکه جهانی و به جهت بررسی آخرین تجربیات جهانی در این زمینه و بویژه در رابطه با روش‌شناسی نرم‌افزارها و ابزار تحلیل بزهکاری مورد بررسی قرار گرفت. در ضمن، بخش اصلی داده‌های مجرمانه مرتبط با پژوهش حاضر از طریق پایگاه داده‌ای یکپارچه مرفوک نیروی انتظامی و معاونت پلیس پیشگیری تهران بزرگ اخذ گردید. پس از تعریف و بیان مسأله و روشن نمودن ابعاد و زوایای موضوع و بررسی پیشینه نظری و تجربی، سایر مراحل انجام این پژوهش بدین شرح است:

۱. «انتخاب جامعه آماری»: این پایگاه داده تنها

شامل آن بخش از جرایم گزارش شده در پلیس ۱۱۰ است که با توجه به پرونده‌های ثبت شده در کلانتری‌ها و دیگر مراجع انتظامی، ارتکاب بزه تأیید شده است و دارای پرونده کیفری ثبت شده در مراجع بوده است. بررسی پژوهشگر نشان داد که اغلب تحقیقات انجام شده پیشین در مورد مسائل جرم و بزهکاری، شیوه تمام‌شماری را در پیش گرفته است از این رو در این پژوهش نیز از شیوه تمام‌شماری استفاده شد. بر این اساس افرادی که از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۹۴/۱۲/۳۰ در محدوده قانونی شهر تهران مرتکب هر یک از مصادیق بزه چندگانه مورد بررسی در این پژوهش شدند و برای آنها پرونده تشکیل شد، مورد مطالعه این پژوهش است. در مجموع ۷۴۰۶ فقره جرم از نوع مدنظر در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است.

۲. «تهیه پایگاه داده‌ای جرایم»: پس از بررسی مجموعه داده‌های اخذ شده از معاونت پلیس پیشگیری نیروی انتظامی، کدگذاری جرایم ورود این اطلاعات در پایگاه داده‌ای محیط نرم‌افزاری Excel انجا گرفت.

۳. «استخراج نقشه کانون‌های جرم‌خیز»: جمع‌آوری کلیه اطلاعات مکانی و همچنین طراحی و تولید انواع نقشه‌های تحلیلی، با توجه به موضوع در این مرحله انجام گرفت. پایگاه داده مکانی و زمانی بزهکاری تشکیل و نقشه استخراج شد. به طور کلی بررسی‌های جغرافیایی جرم و جنایت در شهرها به یکی از دو روش «تحلیل همبستگی»^۱ و «تحلیل فرصت‌های جرم»^۲ انجام می‌گیرد. در پژوهش حاضر به طور مشخص دو نرم افزار Analysis Crime در محیط Arcview و نرم افزار Case در محیط ArcGIS جهت شناسایی مکان‌های جرم‌خیز شهر تهران استفاده شد.

۴. «استخراج شاخص‌های محیطی»: شاخص‌های موردنظر در اینجا، مواردی از بستر محیطی است که می‌تواند بر وقوع و یا تسهیل وقوع

جرایم از نوع مورد مطالعه، اثرگذار باشد. این شاخص‌ها از روی مطالعات پیشین، تحقیقات گذشته (خارجی و یا داخلی) و توسط خود محقق استخراج گردید.

۵. «مطالعه میدانی وضعیت شاخص‌ها»: در این مرحله با مراجعه به کانون‌های جرم‌خیز، وضعیت آنها از نظر شاخص‌های موردنظر بررسی گردید تا مشخص شود چه عوامل و شرایطی تسهیل‌کننده جرم بوده است. در انتها نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود شرایط آتی ارائه شد.

ادبیات موضوع و مبانی نظری

ادبیات موضوع

در سال ۱۹۶۹ «جفری»^۳ نخستین کسی بود که عبارت «پیشگیری از جرم و جنایت از طریق طراحی شهری» را به کار برد. او به برنامه‌ریزی شهری و طراحی ساختارهای شهری و واحدهای همسایگی به منظور کنترل و پیشگیری از جرم و جنایت تأکید داشت. به نظر او مراقبت‌های طبیعی شهروندان از طریق طراحی ساختمان‌ها و فضای شهری عامل مهم کنترل جرایم شهری است (Cozens, 2000, P.10). وی بر فرصت‌هایی که محیط در اختیار مجرمین قرار می‌دهد تأکید داشت و جرایم گوناگون را ناشی از این فرصت‌های محیطی می‌دانست (Clarke, 2001, P.30). با مطالعات «جاکوبز»، «جفری» و «نیومن» راه برای پژوهش‌های بیشتر هموار شد و بعد از آنها پژوهشگران بسیاری در این رابطه به مطالعه و بررسی پرداختند. «گرین برگ» و «کولگنز»^۴ مطالعاتی در خصوص رابطه میان میزان جرم و خصوصیات فیزیکی و کاربری زمین در آتلانتا انجام دادند. آنها دریافتند که موقعیت اقتصادی-اجتماعی واحدهای همسایگی و کاربری زمین مثل مناطق صرفاً مسکونی در مقابل نواحی مختلف (مسکونی و تجاری) باعث بروز میزان خاصی از ناهنجاری‌های اجتماعی می‌گردد (Widom, Feins, 1997, P.9). مباحث مربوط به جغرافیای بزهکاری

3. Jeffery
4. Greenberg
5. Colleagues

۱. معادل تحلیل همبستگی تحلیل کمی «Quantitative» بکار می‌رود.

۲. معادل تحلیل فرصت‌های جرم، تحلیل کیفی یا مردم‌نگاری بکار می‌رود.

و مطالعه رابطه جرم و مکان در کشور تنها طی چند سال اخیر مورد توجه پژوهشگران کشور قرار گرفته است. در ادامه به خلاصه مهمترین مطالعات داخلی اشاره می‌گردد:

۱. محسن کلانتری و دیگران، در شماره سوم سال دوازدهم فصلنامه دانش انتظامی، پژوهشی با عنوان «ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی» دارند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها و اطلاعات پژوهش به شیوه کتابخانه ای و اسنادی گردآوری شده است. یافته‌ای پژوهشی نشان می‌دهد که از جمله دیدگاههای مطرح در زمینه تحلیل و تبیین رابطه مکان و بزهکاری، نگرش پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی است (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۰).

۲. مجله پژوهش های جغرافیایی در شماره ۴۴ خود مقاله ای با عنوان «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران» از احمد پور احمد و دیگران دارد که در آن سعی شد تا به ارزیابی شرایط مکانی شهر و حوزه های جرم در رفتار و فعالیت‌های غیرقانونی پرداخته شود. در این بررسی از روهای تحلیل همبستگی و فرصت‌های جرم براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم مثل تاریکی و خلوتی محیط، ارتباط معنی‌داری وجود دارد. از نگاه این پژوهش، تراکم جمعیت بعنوان عامل مؤثر در وقوع جرم عمل می‌نماید و این پدیده در بخش مرکزی شهر تهران سبب افزایش جرایم شده است (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲).

۳. کلانتری و آیت، مقاله ای با عنوان «تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن» دارند. نویسندگان مقاله تلاش دارند، ارتباط بین تاریکی محل وقوع جرم و ارتکاب جرایم مورد نظر خود را بررسی نمایند. در این میان، جرایم سرقت و جرایمی چون قتل، ضرب و جرح و شرارت بیش از دیگر جرایم در محیط‌های تاریک رخ داده است. باز بر اساس نتایج تحقیق، جرایم سرقت از جمله جرایمی است که بیش از آنکه به عامل تاریکی متکی باشد، به عامل خلوتی و دنج بودن محل ارتکاب جرم نیاز دارد. همچنین عامل شلوغی و ازدحام در مورد برخی جرایم بعنوان عاملی بازدارنده و در مورد

برخی دیگر از جرایم بعنوان عاملی تسهیل‌کننده عمل نموده است. لذا بین شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری تأثیرگذار شناخته شد. در این پژوهش، به مصاحبه با مجرمان و تکمیل پرسشنامه در میان آنان اکتفا شده و مشاهده در محل (مکان) و شاخص سازی انجام نشده است. (کلانتری و آیت، ۱۳۸۶).

۴. مقاله «شناسایی کانون‌های جرم خیز شهری با استفاده از مدل های آماری گرافیک‌مبنا و سامانه اطلاعات جغرافیایی، مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان» در شماره یازدهم از سال چهارم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم به چاپ رسید. این پژوهش با هدف تحلیل الگوهای فضایی سرقت در محدوده مورد مطالعه و شناسایی عوامل تسهیل‌کننده ارتکاب این جرایم به منظور کنترل محدوده‌های آلوده به این جرایم، با استفاده از مدل‌های گرافیکی در محیط سامانه اطلاعات جغرافیایی انجام گرفت. این پژوهش برای پاسخ به دو پرسش مهم انجام شد که «توزیع جغرافیایی مهمترین محدوده‌های تمرکز جرایم مرتبط با سرقت در شهر زنجان چگونه است؟» و «ارتکاب سرقت در محدوده جغرافیایی شهر زنجان از چه الگوهای مکانی پیروی می‌کند و نوع و میزان کاربری‌ها در شکل‌گیری این الگوها چه تأثیری دارد؟» روش پژوهش توصیفی و تحلیلی است و برای شناسایی الگوهای فضایی بزهکاری در شهر، از آزمون‌های مرکز متوسط، بیضی انحراف معیار و تخمین تراکم کرنل استفاده شد. جامعه آماری، تمامی جرایم مرتبط با سرقت بوده که در طی یک سال شمسی در محدوده مورد مطالعه به وقوع پیوست. لیکن یافته‌های پژوهش تنها قادر به پاسخگویی پرسش نخست می‌باشند. زیرا تحلیل‌های موجود و دستاوردها آن، تنها شامل مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار و کانون‌های جرم سرقت است و به ویژگی‌های کاربری زمین پرداخته نشد (کلانتری و قزلباش، ۱۳۸۸).

۵. شماره‌های ۶۹ و ۷۰ سال ششم ماهنامه اصلاح و تربیت^۶ مقاله ای را در دو بخش جداگانه، منتشر ساخت. نویسندگان کوشیدند تا نقش کاربری زمین در وقوع جرم را بررسی کنند. بویژه در این دو مقاله تلاش شد تا با آمارهای نیروی انتظامی، و تطبیق

۶. شماره های پیاپی ۱۵۴ و ۱۵۵

• نخست- تعیین قلمرو (قلمروگرایی)

هر موجود زنده بنا بر خصلت خود مدعی قلمروی خاص است و از آن در مقابل دیگران دفاع می‌کند. هایدگر عقیده دارد که اجزای اصلی قلمرو، «مشخص» بودن دفاع از آن است (بحرینی و تاجبخش، ۱۳۷۷، صص ۲۰-۱۹). یکی از مهمترین اثرات محیط «تعلیق مکانی» است که تا حدود زیادی با هویت مکانی در ارتباط است. تعلق مکانی در واقع رابطه هم‌پیوندی است که میان انسان و محیط به لنگرگاهی روانی بدل می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۱، ص ۵). میزان وابستگی افراد به محیط درجات مختلفی دارد: بی تفاوتی نسبت به یک مکان، تا دلبستگی به مکان و فداکاری برای مکان (فلاح، ۱۳۸۵، صص ۲-۶۲). نتایج یک مطالعه نشان داد که برخی از سارقان برای ارزیابی میزان خطر سرقت از معیار قلمروگرایی استفاده می‌کنند (Brown and Bentley, 1993, pp.51). برخی راهبردهای مؤثر در بالا بردن حس قلمروگرایی ساکنان عبارتند از (قورچی بیگی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰): ۱- فضاهای خصوصی ساختمان باید از فضاهای عمومی متمایز باشد؛ ۲- هر بخش باید طراحی مختص به خود را داشته باشد به طوریکه به آن مکان هویت بخشد. ۳- با ایجاد موانع واقعی (Real barriers) و نمادین (Symbolic barriers) می‌توان از ورود غریبه‌ها به مکان‌ها کاست و آنها را از ارتکاب جرم بازداشت. ۴- برای القای اینکه فرد از فضایی عمومی به فضایی خصوصی وارد می‌شود می‌توان از بوته‌ها، تغییر سطح زمین، حصارها و تغییر رنگ زمین استفاده کرد (استفاده از موانع انتقالی).

• دوم- نظارت یا مراقبت

طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان را افزایش دهد (چایلد، ۱۳۳۷۹، ص ۵۳). در مطالعه‌ای که در رابطه با گرایش‌ها و افکار مجرمان انجام شده است، دو عامل در متوقف کردن مجرمان بسیار مؤثر تلقی شده است: اول، نشانه‌ها و علائم تصرف (Signs of occupation) و دیگری نظارت. سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته گذاشتند و

۸ موانع واقعی، موانعی هستند که به صورت فیزیکی و عینی تفکیک میان فضاهای عمومی و خصوصی را از یکدیگر مشخص می‌کنند (مانند نرده). ولی موانع نمادین، موانع غیرفیزیکی هستند که به صورت نمادین، تفکیک میان فضاهای عمومی و خصوصی را از یکدیگر مشخص می‌نمایند (مانند تغییر سطح یا تغییر رنگ در هنگام ورود از فضا به عمومی به خصوصی).

مکان جرم با وضعیت معابر و توقفگاه اتومبیل، ارتباط بین سرقت و کاستی در استانداردهای موجود از نظر شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد (کلانتری و حقی، ۱۳۸۶؛ شماره ۶۹ و ۷۰).

۶. هدایتی و عباسی، پژوهش «مدیریت علمی کانون های جرم خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین» انجام دادند. هدف پژوهش مذکور ارتقاء امنیت اجتماعی از طریق شناسائی و مدیریت علمی کانون‌های جرم خیز است که در آن متغیرهای مکان و زمان های مسئله دار در ارتباط با محل استقرار نیروهای انتظامی در شهر قزوین مورد بررسی قرار دارند. روش بررسی تلفیقی از روش‌های تحلیلی و تطبیقی است. برای تحلیل‌های آماری و گرافیکی به صورت ترکیبی از نرم‌افزارهای سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)، نرم افزار جانبی Crime Analysis در محیط Arcview، Case در محیط ArcGIS و از نرم افزار Excel/Office استفاده شد. نتیجه نهایی، -تنها- شامل حصول نقشه های مکانی و زمانی توزیع جرایم و کشف کانون‌های جرم است. با توجه به سوال تحقیق، به محیط کالبدی مؤثر بر وقوع جرم پرداخته نشد (هدایتی و عباسی، ۱۳۸۸).

دیدگاه نظری؛ پیشگیری جرم از طریق طراحی محیطی نظریه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی^۷ (CPTED) بر این ادعا استوار است که می‌توان با طراحی مناسب محل سکونت و کار افراد، از جرایم ارتكابی در محیط ساخته شده پیشگیری نمود. این فرایند «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» نامیده می‌شود. این نظریه را می‌توان اینگونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر محیط و ساختمان که منجر به کاهش جرم و ترس ناشی از جرم می‌شود». به عبارت دیگر طراحی مناسب و استفاده درست از محیط می‌تواند علاوه بر پیشگیری از وقوع جرم، کیفیت زندگی را بهبود بخشد و ترس از جرم را کاهش دهد (Crow, 2000, p.46). این مسئله مبتنی بر مطالعاتی است که در اواسط قرن بیستم انجام شد (Lynch, 1960, poyner, 1983, Coleman, see; Lynch, 1985). برای نظریه CPTED شش رکن و ویژگی قابل تصور است:

بعد از مالکان، همسایگان را مهمترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند (55-Bennett, 1986, p. 41). نظارت بر سه گونه است:

۱. نظارت طبیعی و غیررسمی: وقتی محقق می‌شود که منزل به گونه ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه خصوصی و عمومی بصورت کامل نظارت داشته باشند. این نظارت بصورت معمول از طریق پنجره ها ممکن می‌شود. طراحی باید فضاهایی را ایجاد کند که بهتر در معرض دید ساکنان، همسایگان و رهگذران باشد.

۲. نظارت رسمی یا سازمان یافته: توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. چهار تحقیق انجام شده درباره افزایش نظارت رسمی در پارکینگ‌ها نشان‌دهنده این است که جرایم مرتبط با سرقت خودرو کاهش داشته است (Poyner, 1991, pp.96-101, 154-Laycock and Austin, 1992, pp.60). در خرده‌فروشی‌هایی که در آن دو نفر، یکی بعنوان صندوق‌دار و دیگری بعنوان مراقب و نگهبان، بر مشتریان نظارت می‌کرده است، سرقت‌های کمتری گزارش شده است (Jeffrey and Hunter, 1997, p.195).

۳. نظارت مکانیکی: با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مداربسته قابل اجراست.

الف- دوربین مداربسته (CCTV): این فناوری جدید می‌تواند در صورتی که با مطالعه قبلی و توجیه منطقی نصب شده باشد و با مداخله‌ی شایسته و به هنگام همراه باشد، عملکردی موفقیت آمیز داشته باشد (کوسن، ۱۳۸۴، صص ۲۳-۳۳۹). مجرمان در هنگام ارتکاب جرم به خطر دستگیری بیشتر از شدت مجازات فکر می‌کنند و چون دوربین مداربسته این خطر را افزایش می‌دهد، نصب آن می‌تواند در پیشگیری از جرم مؤثر باشد (Clarke, 1997a, p.199).

ب- روشنایی: روشنایی تأثیر غیرقابل انکاری در پیشگیری از جرم دارد. بعد از تاریکی هوا فرصت نظارت کم می‌شود. این کمبود از طریق روشنایی جبران می‌شود و تحقیقات زیادی به تأثیر این موضوع پرداخته اند (Cozens and et.al, 2003, pp.7-24). در یکی از جدیدترین بررسی‌ها که درباره روشنایی و نور توسط ولش و فارینگتون انجام شد، تعدادی از مطالعات موجود

در آمریکا و انگلستان مورد بررسی دوباره قرار گرفت (See; Farrington and Welsh, 2002). در برخی مطالعات انجام شده، تأثیر روشنایی بر کاهش جرم بیست درصد بوده است (9-Poyner and Webb, 1997, pp.83). همانطور که از تحقیقات برمی‌آید (پوراحمد و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۹۲)، روشنایی بعنوان گونه‌ای از نظارت مکانیکی می‌تواند با ایجاد فضایی امن، بهبود فرصت نظارت و افزایش کنترل اجتماعی غیررسمی این تصور را در ذهن مجرمان ایجاد کند که ارتکاب جرم در فضا دیده خواهد شد و در نتیجه، جرم با واکنش ساکنان و افراد روبه رو خواهد شد.

• سوم- کنترل دسترسی یا ورودی

کنترل دسترسی یا ورودی‌ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، رسمی یا سازمان‌یافته (مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان) و مکانیکی (مانند قفل‌ها و ایفون‌های تصویری) می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهد مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی‌های نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند (see; Beavon, D., 1994). یک مطالعه در انگلستان نشان داد که بین نقاط ورودی ساختمان و وقوع جرم همبستگی وجود دارد (See; Coleman, 1985).

• چهارم- تصویر و نگهداری از فضا

تحقیقات زیادی ثابت کردند که میان نگهداری و حفاظت از محیط شهری با کاهش جرایم رابطه وجود دارد (Ross and Wilson and Kelling, 1982, pp.38-412, Cozens and et.al, 2001, 32-Mirowsky, 1999, pp.222-48). خانه‌ها و فضاهای خالی و بلا تصدی به مانند آهن‌ربا درمورد جرایم عمل می‌کنند (Spleman, 1993, pp.481-98). این بخش از مفهوم نظریه CPTED با نظریه پنجره‌های شکسته رابطه تنگاتنگ دارد. یک پنجره تعمیر نشده و شکسته، نشانگر آن است که کسی نگران نیست و لذا شکستن پنجره‌های بیشتر هیچ هزینه ای ندارد (ویلسون و کلینگ، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱).

• پنجم- سخت کردن آماج جرم

می‌توان از طریق کاهش آسیب‌پذیری آماجی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند از وقوع جرم جلوگیری کرد (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳).

سخت کردن آماج جرم در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی در ساختمان است. آماج و اشیایی که بطور معمول مورد تخریب یا سرقت واقع می‌شوند به نحوی طراحی شوند که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند (مرتضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۴). جدیدترین مطالعه در سه کشور انگلستان، آمریکا و هلند در خصوص برگلری (ورود به ملک غیر به قصد ارتکاب یکی از چهار جرم قتل، سرقت، تجاوز به عفت و تخریب) نشان داد که سخت کردن آماج جرم، منجر به کاهش برگلری شد (91-Tseloni and et.al, 2004, pp.66).

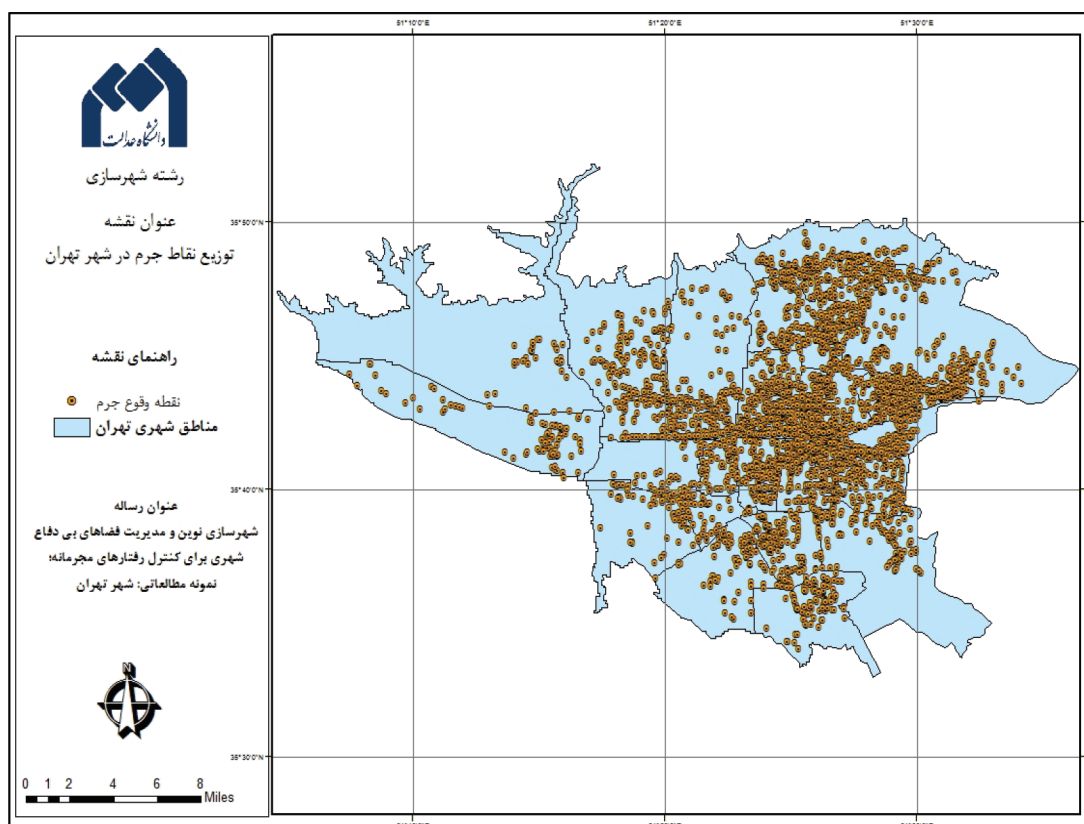
بحث و بررسی

توزیع مکانی محل وقوع جرایم مدنظر در تهران

بررسی توزیع مکانی جرایم شرارت، باجگیری و سرقت در شهر تهران نشانگر آن است که بیشترین تراکم این جرایم در محدوده مناطق ۶، ۱۲ و ۷ قرار دارد. از روی نقشه پیداست که تعداد نقاط جرم، کمی به سمت راست از مرکز جغرافیایی شهر، تعداد نقاط جرم به بیشترین تعداد خود می‌رسد.

ششم- فعالیت پشتیبانی (حمایتی)

فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان جهت استفاده و حضور بیشتر در



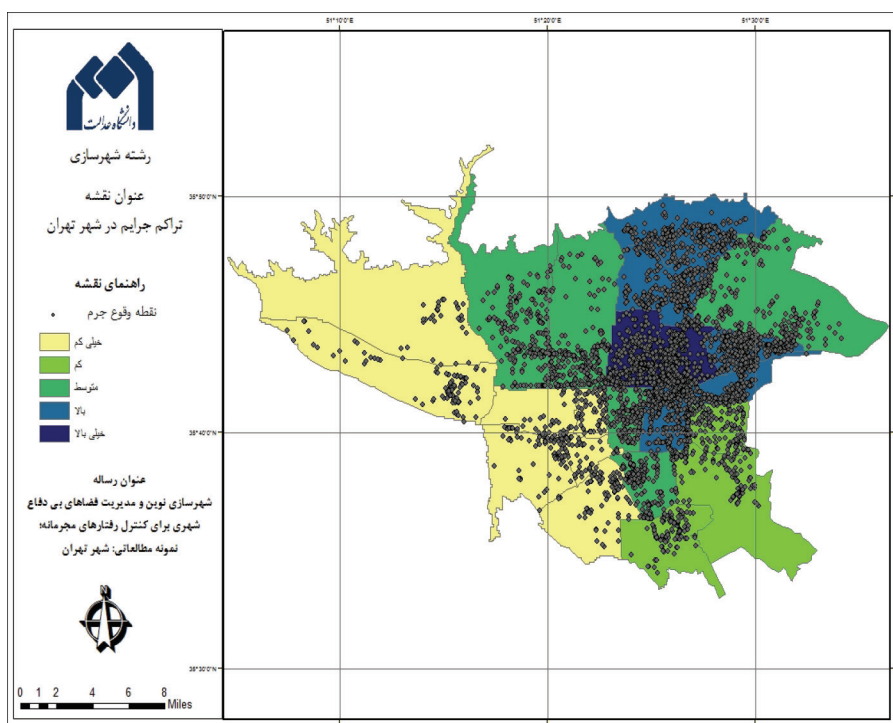
نقشه ۱. توزیع مکانی محل وقوع جرایم

با توجه به نقشه، تعداد نقاط جرم از محدوده مرکزی شهر به سمت اطراف آن، کاسته می‌شود. البته به سمت غرب، نقاط جرم بسیار زودتر از سمت شرق شهر کاهش می‌یابد. بگونه‌ای که محدوده منطقه ۸ همانند مناطق ۶، ۷ و ۱۲، دارای بیشترین نقاط وقوع جرم است. شمال شهر تهران نیز از نظر تعداد وقوع جرم، وضعیت نامساعدی را از خود بروز می‌دهد. برخی محدوده‌ها و مناطق

در هر یک از مناطق به چه صورت بوده است، برای شناخت هرچه بیشتر محدوده‌های حساس جرم‌خیزی اهمیت دارد. از این رو می‌توان از تراکم جرم در مناطق شهری سخن گفت. نقشه تراکم جرم در مناطق را با طیفی از رنگ‌ها نشان می‌دهد.

شمال شهر، پا به پای مناطق و محدوده‌هایی از جنوب شهر، تعداد بالای جرایم را در خود جای داده‌اند.

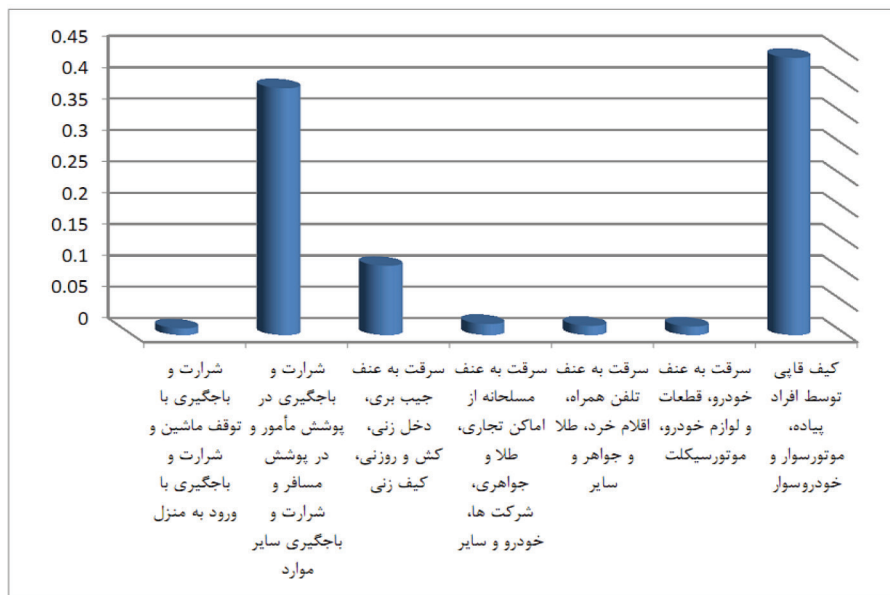
محدوده‌های دارای بالاترین تراکم کل جرایم این موضوع که تعداد جرایم روی داده شده



نقشه ۲. تراکم منطقه ای جرایم در شهر تهران؛ ماخذ: یافته های تحقیق

فوق و پایگاه داده‌ای سامانه پلیس ۱۱۰ نیروی انتظامی در دوره زمانی پژوهش در مجموع ۷۴۰۶ فقره جرم از نوع مدنظر در محدوده شهر تهران به وقوع پیوسته است که پس از استخراج اطلاعات مرتبط مرتبط با این جرایم، پایگاه داده‌ای مربوط به آنها در محیط GIS تشکیل شد و به دنبال آن نقشه‌های جرم تهیه و تحلیل فضایی مربوطه انجام شد.

تحلیل نوع و میزان بزه‌کاری در محدوده شهر تهران
همانگونه که در مبحث شیوه تحقیق و گردآوری داده‌ها بیان گردید، داده‌های مربوط به جرایم ارتكابی موضوع پژوهش جرایم شرارت و باجگیری و سرقت در محدوده شهر تهران از آمار موجود در سیستم ۱۱۰ نیروی انتظامی دریافت گردیده است. بر این اساس افرادی که از تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱ تا تاریخ ۱۳۹۴/۱/۳۰ در محدوده قانونی شهر تهران مرتکب هر یک از مصادیق بزه چندگانه مورد بررسی در این پژوهش شده‌اند و در کلانتری‌های تهران و واحدهای اجرایی چون پلیس آگاهی تهران بزرگ و پلیس مبارزه با مواد مخدر برای آنها پرونده تشکیل شده است مورد مطالعه این پژوهش قرار گرفته‌اند. مطابق اطلاعات اخذ شده



نمودار ۱. نوع و درصد ارتکاب هر یک از جرایم موردنظر این پژوهش در محدوده شهر تهران

مهمترین عناصر موجود در پهنه اصلی جرم خیز شهر

اگرچه مشخص گردید که محدوده کانون اصلی جرم، منطبق با محدوده‌های تجاری و اداری مرکز شهر واقع در بخش جنوب شرق منطقه ۶، جنوب غرب منطقه ۷ و شمال منطقه ۱۲ می‌باشد، اما شناخت کانون عمده جرم‌خیزی به تنهایی کفایت نمی‌کند. باید در نظر داشت که برای درک ابعاد بیشتر موضوع، لازم است به طور دقیق، به نوع فعالیت توجه کرد و نیز وضعیت محیط و جانمایی عناصر موجود در این پهنه جرم‌خیز را مورد بررسی قرار داد. البته در کنار همه این موارد، ویژگی‌های طراحی محیطی و خصوصیات عناصر نیز باید بررسی شود. از این رو ادامه مهمترین ویژگی‌های عناصر موجود در مهمترین کانون جرم شهر تهران آمده است.

خیابان انقلاب؛ محدوده‌ای که دربرگیرنده مهمترین کانون جرم‌خیزی در شهر تهران می‌باشد یکی از مهمترین گره‌های حمل و نقل شهر است. تعداد زیادی از جمعیت در طول روز در اینجا رفت و آمد می‌کنند.

خیابان جمهوری؛ کاربری‌های تجاری و مراکز خرید و فروش عمده لوازم خانگی و صوتی تصویری در اینجا قرار دارد، تعداد مسافرت‌ها در این خیابان نیز زیاد است و مسافرینی از نقاط مختلف منطقه و شهر و حتی کشور را به سمت خود می‌کشاند.

میدان هفت تیر و میدان ولیعصر؛ میدان هفت تیر و میدان ولیعصر به عنوان دو کانون مهم گرهگاهی محسوب

می‌شوند. در اینجا شلوغی و تراکم جمعیت بویژه در ساعاتی از روز، به اوج خود می‌رسد.

پارک دانشجو؛ پارک دانشجو در تقاطع خیابان ولیعصر و انقلاب قرار دارد. با توجه به اینکه این پارک در مجاورت ایستگاه مترو چهارراه ولیعصر قرار دارد، دسترسی آسان به آن، یکی از مزایای این پارک محسوب می‌شود. بسیاری از افراد در این پارک از انواع آسیب‌های اجتماعی به دور نمی‌مانند. خرید و فروش مواد اعتیادآور، شلوغی و تراکم بالا و عدم نظارت کافی در این مکان بویژه در شرایطی که خلاء حاصل از افراد و خانوارهای محلی در آن موج می‌زند، آنرا به یکی از مکان‌های تمرکز بزهکاری تبدیل کرده است.

بلوار کریم‌خان؛ بلوار کریم‌خان یک راسته تجاری است و تقریباً واحدهای مسکونی در این راسته وجود ندارد. خیابان‌های شریعتی، بهار، بهارشیراز و مفتوح؛ خیابان‌های شریعتی، بهار، بهارشیراز و مفتوح؛ این خیابان‌ها راسته‌های تجاری هستند که در ساعاتی از روز، جمعیت خاصی را از نقاط مختلف به سمت خود جذب می‌کنند. افرادی در این جا رفت و آمد می‌کنند که کمترین تعلقی نسبت به سلامت و امنیت فضا ندارند و فقط بعنوان یک گذرگاه مقطعی بدان می‌نگرند.

میدان امام‌خیمینی؛ میدان امام‌خیمینی از مراکز مهم و البته پر تردد شهری است. این میدان در حال حاضر نوعی مرکزیت اداری و تجاری دارد.

وضعیت سپتد در کانون جرم

وضعیت سپتد، حاصل تلفیقی از راهبردهای «نظارت»، «قلمروگرایی»، «تعمیر و نگهداری» و «کنترل دسترسی» است. برای بدست آوردن ضریب نهایی راهبردهای مطرح شده، در مرحله اول باید ضریب شاخص‌های مربوط به هر راهبرد در معابر و خیابان‌ها محاسبه شود. در این پژوهش جهت انجام این محاسبات از روش آماری به شرح زیر استفاده شده است:

در مرحله اول با توجه به معیارهای جمع‌آوری اطلاعات، به هر قطعه، نمره‌ای اختصاص داده شده است. شاخص‌هایی که با معیارهای دارد و ندارد مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، برای «دارد یا خوب» و یا مانند آن، نمره ۱ و برای «ندارد یا بد» یا مانند آن نمره ۰ در نظر گرفته شد. برای معیارهای سه تایی، به معیارهای «بسیار خوب یا بسیار زیاد یا نسبتاً مناسب» و مانند آن نمره ۱، به معیار متوسط نمره ۰.۵ و به معیار بسیار کم و بسیار ضعیف و مانند آن نمره ۰ داده شد. همین روش مشابه برای معیارهای چهارتایی نیز بکار گرفته شد. در مرحله دوم، برای هر شاخص، با توجه به میزان اهمیت آن در مقاوم‌سازی کالبدی فضا، از ۱ تا ۱۰، ارزشی تعیین گردید که این ارزش دهی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. ارزش دهی به شاخص‌های راهبردهای سپتد

راهبرد نظارت	شاخص	استفاده از فضا	نورپردازی	وضوح دید از اطراف	کیوسک و دکه روزنامه	-
	ارزش شاخص	۱۰	۸	۹	۶	-
راهبرد قلمروگرایی	شاخص	وجود نرده و فضای سبز	وجود علائم، تابلوها و نشانه‌های بصری	تغییر سطح	تغییر بافت	-
	ارزش شاخص	۱۰	۹	۶	۴	-
راهبرد تعمیر و نگهداری	شاخص	وضعیت تجهیزات روشنایی	وضعیت پیاده‌روها	وضعیت تجهیزات تاسیسات عمومی	حفاظ برای تجهیزات تاسیسات	تمیزی و سلامت (بدون زباله)
	ارزش شاخص	۹	۷	۸	۵	۱۰

میدان بهارستان؛ میدان بهارستان بعنوان یکی از عناصر واقع در محدوده کانون جرم خیز شهر تهران است که از جنوب به محله سرچشمه (و پس از آن چهار راه سیروس و میدان شوش)، از شمال به محله فخرآباد (و سپس پل چوبی)، از غرب به باغ سپهسالار و از شرق به خیابان شهدا (ژاله) محدود است.

خیابان فردوسی؛

خیابان سعدی؛ خیابان سعدی یکی از مراکز بورس مهم در تهران به‌شمار می‌آید. تولیدکنندگان و فروشندگان قطعات صنعتی، ابزارآلات کشاورزی، پمپ‌ها و موتورها و توربین‌های صنعتی در این خیابان حضور دارند. خیابان سعدی از شمال به خیابان انقلاب و از جنوب به خیابان امیرکبیر محدود می‌گردد. این خیابان از جمله معابری است که کمترین مقادیر عبور و مرور افراد ساکن و با هویت محله‌ای را در خود شاهد است.

محدوده خیابان‌های اطراف پارک شهر؛ این پارک، از جنوب به خیابان بهشت، از شمال به خیابان فیاض-بخش، از شرق به خیابان خیام، و از غرب به وحدت اسلامی می‌رسد.

در مرحله ارزش‌دهی، شاخصی که نمره ۱ را دارد، ارزش کامل به آن اختصاص می‌یابد، به شاخصی که ۰,۵ باشد، نصف ارزش شاخص اختصاص داده می‌شود و به شاخصی که ۰ باشد، ارزشی معادل هیچ یا صفر اختصاص داده می‌شود. در مرحله بعدی، داده‌های مربوط به ارزش شاخص‌ها باید نرمالیزه شوند. برای این منظور، ارزش هر شاخص بر جمع کل ارزش‌ها در آن قطعه یا معبر تقسیم می‌گردد. در مرحله بعدی جهت بدست آوردن ضریب نهایی، وزن نرمال بدست آمده در نمره مربوط به آن شاخص که در مراحل اول تعیین شد، ضرب می‌گردد. عدد بدست آمده، ضریب نهایی برای آن شاخص می‌باشد. با جمع نمودن ضرایب نهایی شاخص‌های هر راهبرد، ضریب نهایی برای هر راهبرد محاسبه می‌شود و در نهایت، با جمع نمودن ضرایب راهبردها، ضریب نهایی برای رویکرد سپتد بدست می‌آید. وضعیت معابر و میادین موجود در محدوده مهمترین کانون جرم

خیزی شهر تهران از لحاظ جرم مورد بررسی از جمله سرقت و باجگیری و شرارت، در نهایت باید از نظر سپتد نیز مورد بررسی قرار گیرد. همانگونه که پیش‌تر نیز تشریح شد وضعیت سپتد در کانون جرم، تلفیقی از وضعیت کانون از نظر راهبردهای موجود در دل این رویکرد نظری است. اکثر معابر، خیابان‌ها و میادین شهری در وضعیت بسیار نامناسب قرار دارند، تعداد کمی از آنها از وضعیت نامناسب برخوردار بوده و تعداد بسیار کم‌تری وضعیت مناسبی از نظر سپتد دارند که این خود دلیل مناسبی برای وقوع جرم در این فضاها و لذا شکل‌گیری این کانون مهم جرم‌خیز در شهر می‌باشد. چنانچه بنا باشد وضعیت عناصر محدوده، تفکیک شده و درصد هر یک از گروه‌های مذکور از نظر میزان مطلوبیت (وضعیت خوب و مناسب در مقابل وضعیت بد و نامناسب) در زمینه سپتد مشخص گردد، توجه به جدول شماره ۲ یک نیاز خواهد بود.

جدول ۲. وضعیت عناصر محدوده مهمترین کانون جرم خیزی شهری از نظر سپتد

طیف وضعیت شاخص	تعداد عناصر	درصد
وضعیت بسیار نامناسب	۱۴۳	۰,۸۵
وضعیت نامناسب	۱۵	۰,۰۹
وضعیت نسبتاً مناسب	۱۱	۰,۰۷
جمع	۱۶۹	۱۰۰

آن‌گونه که از جدول موردنظر بر می‌آید، ۷ درصد عناصر محدوده مهمترین کانون جرم‌خیزی شهر در شرایط نسبتاً خوب و ۹ درصد در وضعیتی نامناسب قرار دارند. لیکن ۸۵ درصد از عناصر محدوده، وضعیت مطلوبی از نظر سپتد ندارند.

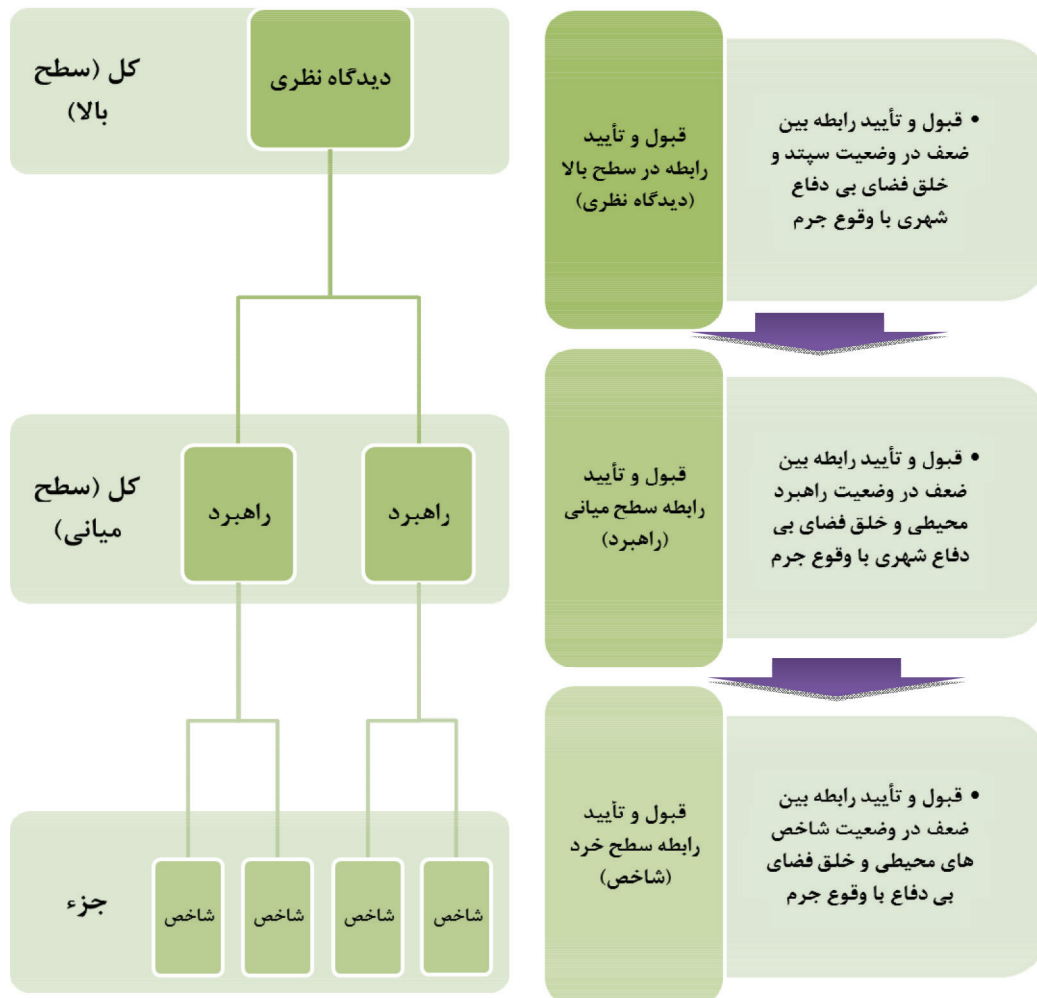
نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

وقتی فضایی از نظر شاخص‌های محیطی شهرسازانه ضعیف باشد، به طور منطقی از نظر راهبردهای محیطی شهرسازانه ضعیف است و در ادامه، از لحاظ رویکرد سپتد نیز ضعیف محسوب می‌گردد. فضایی که از نظر رویکرد نظری سپتد

ضعیف باشد، فضایی بی‌دفاع محسوب می‌گردد که استعداد جرم‌خیزی در آن بسیار بالاست. حال اگر رابطه وقوع جرم در عناصر محدوده، با وضعیت سپتد مورد قبول واقع گردد، رابطه وقوع جرم با راهبردهای سپتد نیز مقبول واقع گردیده و در درجه بعدی، رابطه وقوع جرم با شاخص‌های وضعیت محیطی نیز به مورد قبول و تأیید قرار می‌گیرد. شکل شماره ۱ این روابط را به خوبی نمایان می‌سازد. این بدان معنی است که اگر رابطه منطقی بین بروز جرایم در عناصر محدوده کانون جرم‌خیزی شهری با وضعیت سپتد تأیید و قبول گردد، و یا فرضیه ارتباط منطقی

کانون جرم خیزی شهری و خلق فضاهای بی دفاع شهری، با وضعیت وقوع جرم در آن محدوده و عناصر، ارتباط منطقی وجود داشته و این رابطه مورد قبول واقع خواهد شد.

بین راهبردهای سپتد با موضوع بروز جرایم در عناصر محدوده کانون عمده جرم خیزی شهری تأیید و قبول شود، می-توان به این نتیجه رسید که بین وضعیت شاخص‌های محیطی در محدوده



شکل ۱. روابط بین وضعیت فضای بی دفاع، از نظر شاخص های محیطی، راهبردهای محیطی و سپتد

شرایط نسبتاً مناسب قرار دارند. ۴۹ درصد آنها در وضعیت نامناسبی هستند و ۴۸ درصد عناصر، در شرایط بسیار نامناسبی واقع می باشند.

ج- در پهنه مورد مطالعه، به لحاظ راهبرد قلمروگرایی، در این بررسی مشخص گردیده است که ۷۲ درصد عناصر محدوده -که شامل میادین، معابر و خیابانها می باشد- در وضعیت بسیار نامناسب قرار دارند، ۲۷ درصد وضعیت نامناسبی دارند و ۲ درصد این عناصر از وضعیت نسبتاً مناسب برخوردارند.

برای قبول و تأیید ارتباط منطقی وضعیت پهنه مورد مطالعه و بی دفاع بودن این پهنه با شرایط راهبردهای محیطی می توان به سه بند زیر اشاره کرد:

الف- در زمینه راهبرد نظارت، ۶ درصد عناصر محدوده در وضعیت مناسب به سر می برند، ۱۲ درصد وضعیت نامناسب دارند و ۸۲ درصد دارای شرایطی بسیار نامناسب هستند.

ب- مطابق دستاوردهای پژوهش، در پهنه مهمترین کانون جرم خیز شهری به لحاظ راهبرد تعمیر و نگهداری، ۳ درصد از عناصر محدوده در

همچنین برای روشن شدن و تأیید وجود تأثیر یا رابطه بین وضعیت سپتد و میزان بی‌دفاع بودن فضای شهری در محدوده مهم‌ترین کانون جرم خیز شهری با وقوع جرایم در آن، بررسی نشان می‌دهد که، ۷ درصد عناصر محدوده مهم‌ترین کانون جرم خیزی شهر در شرایط نسبتاً خوب و ۹ درصد در وضعیتی نامناسب قرار دارند. لیکن ۸۵ درصد از عناصر محدوده، وضعیت مطلوبی از نظر سپتد ندارند. در ادامه، با توجه به این توضیح پیشین که سپتد از رهبردهای چندگانه تشکیل شده و راهبردها نیز حاصل جمع شاخص‌های چندگانه محیطی می‌باشند، لذا زمانی که محدوده مورد مطالعه، از نظر وضعیت سپتد، از شرایط مناسبی برخوردار نیست و از نظر رهبردهای محیطی چندگانه سپتد نیز وضعیت مناسبی ندارد، به صراحت می‌توان ادعا داشت که محدوده مورد مطالعه به لحاظ شاخص‌های محیطی نیز وضعیت مطلوب و مناسبی نداشته و لذا فضاهای مذکور، از جمله فضاهای بی‌دفاع شهری محسوب می‌گردند. این امر، علتی برای بروز جرایم در آن و اصولاً دلیلی منطقی برای شکل‌گیری این کانون جرم خیزی در شهر می‌باشد. از این رو این فرضیه مورد تأیید است.

پیشنهاد‌های اجرایی

پیشنهاد‌های اجرایی باید بر اساس واقعتهای بررسی شده در محیط شهری ارائه گردد. مهم‌ترین پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش حاضر بدین شرح خواهد بود:

نخست؛ توجه به نورپرازی در فضاهای شهری؛ نورپردازی فضاها، اعم از میادین و معابر شهری، باید به گونه‌ای باشد که فضاهای تاریک و ناامن را حذف نماید.

دوم؛ تمیز نگه داشتن فضا؛ یکی از نقش‌هایی که شهرداری می‌تواند پررنگ‌تر ایفا نماید، تمیز نگه داشتن چهره شهر و از جمله معابر، خیابان‌ها و میادین شهری است.

سوم؛ بازسازی اصولی پیاده‌روها؛ بسیاری از پیاده‌روهای شهری دارای کف بسیار نامناسب هستند. البته این بدان معنی نیست که الزاماً باید سنگفرش‌های گران‌قیمتی را بکار گرفت. بلکه

از بین بردن شکستگی‌ها، حذف دو دستگی یا چند دستگی در کف پیاده‌روها و رفع بخش‌های مخدوش و معیوب آن، می‌تواند تأثیر فراوانی داشته باشد.

چهارم؛ طراحی اصولی معابر و پیاده‌روها؛ بسیار مطلوب است که از طریق طراحی مناسب، از جمله گیاهان، موانع بصری و نمادها، تغییر سطح و تغییر بافتها، پیاده‌روها را از راههای سواره به نحوی شایسته جدا نمود. چنین طراحی‌هایی می‌تواند نظم، قانون‌مداری و وجود یک عامل (نهاد) مراقبت‌کننده را در بین افراد، تداعی کند.

پنجم؛ تعمیر و نگهداری اصولی از تأسیسات و تجهیزات شهری؛ برای نمونه، اگر در یک راسته و خیابان، تلفن‌های همگانی و یا هشدار سریع (مثل شماره ۱۱۰) سالمی وجود داشته باشد، مجرمین بالقوه کمتر به خود جرأت اقدام مجرمانه علیه هدف‌های خود را خواهند داد.

منابع و ماخذ

۱. بحرینی، سید حسین و گلناز، تاجبخش (۱۳۷۷)، مفهوم قلمرو در طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۶.
۲. پور احمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی و کلانتری، محسن (۱۳۸۲)، بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران، شماره ۴۴ مجله پژوهش‌های جغرافیایی.
۳. چایلد، باری گود (۱۳۷۹)، طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار، ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۵۰.
۴. رضازاده، مرضیه (۱۳۸۱)، بحران ادراکی- رفتاری در فضای شهری، مجله شهرداری‌ها، ویژه‌نامه طراحی شهری، شماره ۲۳.
۵. عباسی ورکی، الهام (۱۳۸۷)، شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز شهر قزوین با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی GIS، به راهنمایی محسن کلانتری، گروه جغرافیا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه زنجان.
۶. علی اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳)، توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۸، تابستان.



۷. فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده‌ی آن، نشریه هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شماره ۲۶
۸. قورچی بیگی، مجید (۱۳۸۶)، راهبردهای کاربردی CPTED برای پیشگیری از جرم در مناطق مسکونی، مجله فقه و حقوق، سال چهارم، شماره ۱۵
۹. کارگر، بهمن (۱۳۸۵) امنیت شهری (ارزیابی کارایی خدمات انتظامی و امنیتی در نظام مدیریت شهری)، انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
۱۰. کلانتری، محسن و آیت، آیت الله (۱۳۸۶)، تاثیر شرایط محیطی بر وقوع بزهکاری و راهکارهای پیشگیری از آن؛ مورد مطالعه: تأثیر تاریکی، خلوتی و شلوغی محیط در نوع و میزان جرایم ارتكابی در شهر تهران، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم؛ سال دوم، شماره پنجم
۱۱. کلانتری، محسن و قزلباش، سمیه (۱۳۸۸)، شناسایی کانون های جرم خیز شهری با استفاده از مدل های آماری گرافیک مبنا و سامانه اطلاعات جغرافیایی (GIS)؛ مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان، شماره ۱۱ سال چهارم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم
۱۲. کلانتری، محسن و توکلی، مهدی (۱۳۸۶)، شناسایی کانون های جرم خیز شهری، شماره ۲ سال دوم فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم
۱۳. کلانتری، محسن و عبدالهی حقی، مریم (۱۳۸۶)، کمبود توقفگاه های عمومی (بخش اول)، ماهنامه اصلاح و تربیت؛ ش ۱۵۴، دی ماه
۱۴. کلانتری، محسن و عبدالهی حقی، مریم (۱۳۸۶)، کمبود توقفگاه های عمومی و تاثیر آن در وقوع سرقت وسایل نقلیه (بخش دوم)، ماهنامه اصلاح و تربیت؛ ش ۱۵۴، دیماه
۱۵. کلانتری، محسن، حیدریان، مسعود و محمودی عاطفه (۱۳۹۰)، ایمن سازی فضای کالبدی شهرها در برابر بزهکاری با استفاده از راهبردهای پیشگیری جرم با طراحی محیطی
- شماره سوم سال دوازدهم فصلنامه دانش انتظامی
۱۶. مرتضایی، رضا (۱۳۸۱)، طراحی ابزار مقابله با تخریب گرایي (وندالیسم) در محیط شهری، مجله شهرداری ها، سال سوم، شماره ۲۵
۱۷. هدایتی، اکبر و عباسی، الهام (۱۳۸۸)، مدیریت علمی کانون های جرم خیز با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی؛ مورد مطالعه: انواع جرایم سرقت در شهر قزوین، شماره ۲ سال ۴ فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی
۱۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید (۱۳۷۷)، دانشنامه جرم شناسی، ج اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهیدبهبشتی
19. Brown, B.B., Bentley, D.L. (1993), Residential burglars judge risk: the role of territoriality, Journal of Environmental Psychology, Vol. 13 No.1.
20. Clarke, R. (1997), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, 2nd Edition, Harrow and Hetson, New York;
21. Clarke, R. (1997), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, 2nd Edition, Harrow and Hetson, New York;
22. Clarke, R.V. (Ed.) (1997a), Situational Crime Prevention: Successful Case Studies, 2nd ed., Harrow and Heston, New York, NY.
23. Clarke, R.V. (Ed.) (1997b), Rational Choice and Situational Crime Prevention, Ashgate.
24. Clarke, R.V., Mayhew, P. (Ed.) (1980), Designing Out Crime, HMSO, London.
25. Clarke, Ronald V. and Pat Mayhew. 1980. Designing out Crime. London: H.M.S.O.
26. Clarke, Ronald V. and Pat Mayhew. 1988. "The British Gas Suicide Story and its Implications for Prevention". In Michael Tonry and Norval Morris (eds.), 1988. Crime
27. Coleman, A. (1985), Utopia on Trial, Hilary Shipman Ltd, London.
28. Cozens, P. M. (2002). Sustainable Urban Development and Crime Prevention Through Environmental Design for the British City. Towards an Effective Urban Environmentalism for the 21st Century.

- use development, in Coupland, A. (Eds), *Reclaiming the City: Mixed Use Development*, Spon, London.
40. Poyner, B. (1983), *Designing Against Crime: Beyond Defensible Space*, Butterworths, London.
 41. Poyner, B. (1991), Situational crime prevention in two parking facilities, *Security Journal*, Vol. 2 No.1.
 42. Poyner, B., Webb, B. (1997), Reducing theft from shopping bags in city centre markets, in Clarke, R.V. (Eds), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, Guilderland, NY.
 43. Poyner, B., Webb, B. (1997), Reducing theft from shopping bags in city centre markets, in Clarke, R.V. (Eds), *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, 2nd ed., Harrow and Heston, Guilderland, NY.
 44. Ross, C.E., Mirowsky, J. (1999), Disorder and decay: the concept and measurement of perceived neighbourhood disorder, *Urban Affairs Review*, Vol. 34 No.3, pp.41232-
 45. Spelman, W. (1993), Abandoned buildings: magnets for crime?" *Journal of Criminal Justice*, Vol. 21 No.3.
 46. Tseloni, A., Wittebrood, K., Farrell, G., Pease, K. (2004), Burglary victimization in England and Wales, the United States and the Netherlands: a cross-national comparative test of routine activities and lifestyle theories, *The British Journal of Criminology*, Vol. 44 No.1.
 47. Wilson James Q. and Kelling Georgl (1982) Broken Windows "The Police and Neighborhood Safety" *Atlantic Monthly* Vol, 29.
 48. Wilson, J.Q., Kelling, G.L. (1982), The police and neighbourhood safety 'Broken windows', *The Atlantic Monthly*, Vol. 3 No.2.
 49. Wilson, J.Q., Knelling, G.L., Broken Windows; *The Atlantic Monthly*, March 1982, PP. 2938-.
 50. Wilson, J.Q., Knelling, G.L., Making Neighborhoods Safe, *the Atlantic Monthly*, February 1989, PP. 4652-.
 - [doi: DOI: 10.1016/S0264-00008(02)2751-2]. *Cities*, 19(2), 129137-.
 29. Cozens, P., D.Hiller, G., Prescott, Crime and the design residential Property—Exploring the Theoretical Background"; *Journal of Property Management*, Vol.19, Issue 2, 2001, PP 136164-.
 30. Cozens, P.M. (2002), Sustainable urban development and crime prevention through environmental design for the British City. 2002. Towards an effective urban environmentalism for the 21st Century, *Cities: The International Journal of Urban Policy and Planning*, Vol. 19 No.2.
 31. Cozens, P.M., Hillier, D., Prescott, G. (2001), Crime and the design of residential property. Exploring the theoretical background, *Property Management*, (paper 1 of 2), Vol. 19 No.2.
 32. Cozens, P.M., Hillier, D., Prescott, G. (2001), Crime and the design of residential property. Exploring the perceptions of planning professionals, burglars and other users, *Property Management*, (paper 2 of 2), Vol. 19 No.4.
 33. Cozens, P.M., Neale, R.H., Whitaker, J., Hillier, D., Graham, M. (2003), A critical review of street lighting, crime and the fear of crime in the British City, *Crime Prevention and Community Safety: An International Journal*, Vol. 5 No.2.
 34. Crowe, T. (2000), *Crime Prevention Through Environmental Design: Applications of Architectural Design and Space Management Concepts*, 2nd ed., Butterworth-Heinemann, Oxford.
 35. Farrington, D.P., Welsh, C. (2002), Effects of Improved Street Lighting on Crime: A Systematic Review, Crown Copyright, London, Home Office Research Study 251, Development and Statistics Directorate.
 36. Feins, J. D. Epstein, J. C. and Widom, R. (1997), *Solving Crime Problems in Residential Neighborhoods*, Comprehensive Changes in Design, Management and Use, National Institute of justice, US Department of Justice;
 37. Greenberg, S. and W.Rohe; (1984) *Neighborhood Design and Crime*, APA journal, vol.50:1.pp. 4861-
 38. Lynch, K. (1960), *The Image of the City*, MIT Press, Cambridge, MA
 39. Pettersson, G. (1997), Crime and mixed-